



حجاب در اسلام

اثبات حرمت ابداء زینت زن پیش عمو ، دایی و داماد

انتشار در سایت رسولان: زمستان ۱۳۹۵

نوشته شده توسط برخی از قرآن پژوهان

ارتباط با نویسندگان در تلگرام:

[@Abbaszadeh_M](https://t.me/Abbaszadeh_M)

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ »

مقدمه:

این مقاله کاملاً بر اساس روش فقه گویای قرآنی که آیت الله صادقی تهرانی آن را تأسیس کرده‌اند نوشته شده است؛ لذا دعوت می‌شود جهت اعتلای جریان قرآنی محققان ارجمند نقدهای درون مبنایی خویش را به این بحث قرآنی حتماً ارائه دهند و البته بحث مبنایی نیز بحث داغی است که قطعاً همه اعضای جریان قرآنی خود را مکلف می‌دانند همیشه و همه جا در حد توان و استطاعت خویش آن را پیش ببرند. اما نکته آن است که بحثهای درون مبنایی می‌تواند باعث شکوفایی و رشد تفکر قرآنی از درون باشد. امیدواریم اینگونه بحث‌ها نقطه شروع یک جهش بزرگ باشد. «و هو خیر الناصرین».

طرح آیات محل بحث:

در قرآن سه دستور اجتماعی بین افراد عشیره (خانواده بزرگ) با ذکر عناوین ایشان وجود دارد:

۱. حرمت ازدواج: «و لا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ مَقْتًا وَ سَاءَ سَبِيلًا * حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ وَ عَمَّاتُكُمْ وَ خَالَاتُكُمْ وَ بَنَاتُ الْأَخِ وَ بَنَاتُ الْأَخْتِ وَ أُمَّهَاتُكُمْ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَ أُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَ رَبَائِبُكُمْ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأَخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا * وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ أَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» (نساء، ۲۲ تا ۲۴)

۲. حرمت ابداء زینت: «وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور، ۳۱)

۳. حَلَيْتَ اِكْلَ: «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَ لَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ» (نور، ۶۱)

موضوع بحث این مقاله: حرمت ابداء زینت

تمامی مکلفین (که از عوام محسوب می‌شوند) مأمور به عرضه احادیث بر عبارات قرآن هستند. بر این اساس زن موظف است در برابر عمو و دایی و شوهر دخترش حجاب بگیرد. و تنها وجه و کفین و یا قدمین (بر مبنای روایات که ما ظهر منها را اینگونه تفسیر کرده اند) قابلیت آشکار ساختن در مقابل این سه گروه را دارد. زیرا ابتدای آیه دستور داده است که باید فقط مظهر منها آشکار شود و لکن در ادامه کسانی را از این قاعده به وسیله اسلوب حصر استثناء مینماید که این حصر دلالت بر حرمت ابداء زینت در غیر این افراد دارد. که عمو و دایی و داماد غیر از افراد مذکور در آیه هستند.

پاسخ به شبهات مطروحه

بعضی گفته اند: چون ازدواج با این سه قسم به صورت ذاتی حرام است باید ابداء زینت حلال باشد.

جواب:

۱. اگر این تساوی وجود داشت به جای ذکر این همه قسم بیان می‌کرد «و لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ الَّذِينَ نَكَحْنَهُنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» و چه لزومی داشت که به جای این عبارت، که هم کوتاهتر و هم دلالتش بر مقصود گویاتر است عبارتی طولانی ذکر نماید که تمام مقصود را در بر نمی‌گیرد، و بنا بر مبنای فقه گویای قرآنی، این چنین چیزی در قرآن امکان ندارد چه اینکه بلاغت و فصاحتش مورد خدشه واقع میشود (همانطور که آیت الله صادقی در آیه ۲۳ سوره نساء گفته اند اگر تمام حرام های رضاعی مقصود بود باید از واژه و هن من الرضاعة استفاده میشد)

۲. ملاک در ابداء زینت نزدیکی خونی نیست بلکه ملاک اثاره شهوت و واقع شدن در گناه است. در حالی که ملاک در حرمت ازدواج میتواند چیز دیگری باشد مثلاً ممکن است مربوط به مسائل ژنتیک و احتمال وجود بیماریهایی در فرزند آینده باشد و یا مشخص بودن پدر مومنین و آشفته نشدن نفقه ایشان.

۳. خود آیت الله صادقی در تفسیر البلاغ استناد به آن که زنان پیامبر در عین حرمت ازدواج دارای حلیت ابداء زینت نیستند این ارتباط را منتفی دانسته اند.

بعضی گفته اند: چون پسر خواهر و پسر برادر را ذکر کرده، خواسته خلاصه گویی کند و عمو و دایی را بیان ننموده.

جواب:

۱. اگر مراد خلاصه گویی بوده است، خلاصه تر از این عبارت وجود دارد که خدای سبحان از آن استفاده نکرده است.

۲. اگر چنین بود باید اعمام و احوال را ذکر میکرد و از بنی اخوات و بنی اخوان چشم پوشی مینمود زیرا آن دو خلاصه تر از این دو هستند.

۳. اگر قصد بر خلاصه گویی بود شوهر را ذکر نمیکرد زیرا ابداء زینت در مقابل شوهر و حتی بالاتر از آن در آیات دیگر موجود بود. «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون، ۶۵).

۴. اگر چنین بود چرا در سوره احزاب ایشان را ذکر نکرد؟ در قرآن دو آیه برای حجاب وجود دارد که یکی عمومیت دارد و دیگری خاص به نساء پیامبر(صلی الله علیه و آله) است. انسان حکیم که قصد خلاصه گویی دارد باید یکی را اعمام و احوال ذکر کند و دیگری را بنی اخوات و بنی اخوان ذکر کند تا مخاطب بفهمد این دو از نظرش یکسان هستند. ولی خدای تعالی چنین نکرد: «لَا جُنَاحَ عَلَیْهِنَّ فِی آبَائِهِنَّ وَ لَا أَبْنَائِهِنَّ وَ لَا إِخْوَانِهِنَّ وَ لَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَ لَا أَبْنَاءَ أَخَوَاتِهِنَّ وَ لَا نِسَائِهِنَّ وَ لَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَ اتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا» (احزاب، ۵۵) از این که عیناً تکرار شده اند معلوم میشود که به هیچ وجه اعمام و احوال مراد خدای سبحان نبودند.

۵. خلاصه گویی در جایی که مضر به معنا باشد بر خلاف حکمت است، همانطور که اطناب در غیر جای خودش خلاف حکمت می باشد.

بعضی گفته اند: چون ما در فهم معنای ما ظهر منها نیاز به روایت داریم بنا بر این حصر نسبی است و هر چه روایت در مخالفت با دلالت آیه به افراد آن اضافه کند صحیح میباشد.

جواب:

• ما ظهر منها اگر بر فرض، نیاز به روشن شدن از طرف روایت داشته باشد، بالاتر از تعداد رکعات در الصلاة نیست. و اگر ما برای فهم رکعات نماز به روایت نیاز داریم دلیل نمیشود که وجوب نماز را هم از قرآن نفهمیم، در اینجا هم قبل از رجوع به روایت در ذهن ما، مردم به دو دسته تقسیم میشوند یک عده که تنها میتوانند ما ظهر منها را به آنها نشان بدهید و یک عده که میتوانند غیر از ما ظهر منها را نیز به آنها نشان بدهید. بعد از رجوع به روایت میفهمیم ما ظهر منها وجه و کفین و یا قدمین است، این دلیل بر آن نمیشود که آنچه فهمیده ایم را نیز کنار بگذاریم.

بعضی گفته اند: موارد دوازده گانه با غض نظر از روایات، توضیح افرادی است که میتوان به ایشان ما ظهر منها را نشان داد. و چون شوهر در این موارد ذکر شده است نباید به غیر از وجه و کفین را به او نشان داد بنا بر این اختلال نظام به وجود می آید زیرا هیچ بچه ای تولید نخواهد شد.

جواب:

۱. مثلا اگر انسان حکیم و فصیح و بلیغ بگوید وسایل این کیف را به هیچ کس مگر این خودکار، و وسایل این کیف را به هیچ کس مگر به حسن و حسین. این برداشت نمیشود که مقصود از وسایل این کیف در جمله دوم همان خودکار است. زیرا اگر مقصود آن بود میگفت: وسایل این کیف را به هیچ کس مگر این خودکار را و فقط به حسن و حسین. تکرار او دلیل بر تفاوت در مستثنی منه است.

۲. در قسمت اول بیان ما ظهر منها بعد از یحفظن فروجهن بوده که نشان از بیان قاعده عمومی بدون در نظر گرفتن اشخاص دارد ولی در قسمت دوم چنین نیست.

۳. بیان بعولتهن در قسمت دوم خود دلیل بر مقصود نبودن ما ظهر منها است، زیرا در آیات مختلف قرآن ذکر شده است ابداء فرج در مقابل همسر مانعی ندارد. بنا بر این اگر بر فرض کسی بین در نظر گرفتن ما ظهر منها و غیر ما ظهر منها شک داشته باشد با مشاهده کلمه بعولتهن شک او برطرف میشود و مطمئن میشود که ما ظهر منها مقصود نیست.

بعضی گفته اند: عقل حکم میکند که این دو (عمه و عمو) چون به یک اندازه به انسان نزدیک هستند باید یا ابداء زینت در هر دو جایز باشد یا در هر دو نباشد.

جواب:

• همانطور که عرض کردیم ملاک اثاره شهوت است، چون حکم عقل در اینجا قطعی نیست نمیتوان به آن اعتماد کرد و دلالت آیه را رد کرد. توضیح آن که: مسائل در مقابل عقل بر سه قسم است یا مخالف قطعی عقل است مثل تثلیث اله یا موافق قطعی عقل است مثل توحید اله یا نه موافق و نه مخالف عقل است مثل عدد رکعات نماز. بنا بر این همین که معلوم بشود عقل در این مورد حکم قطعی ندارد برای پذیرش تعبدی آن کافی است. و از آنجا که مردان عموما نسبت به خانمی که از خودش کوچکتر باشد یا همسن باشد زودتر تحریک میشوند، و از طرفی عموما عمو و دایی از خواهر زاده و برادر زاده خود بزرگتر هستند، پس احتمال دارد که عمو و دایی زودتر تحریک بشوند. در حالی که عمه و خاله عموما بزرگتر از خواهرزاده و برادرزاده خود هستند و در این مورد قضیه بالعکس است. و وجود این احتمال در رد حکم عقلی متوهم کافی است.

بعضی گفته اند: عبارت ماملکت ایمانهن دلالت بر غلام نیز میکند، پس اگر ابداء زینت در مقابل او جایز باشد به طریق اولی در مقابل عمو و دایی جایز است.

جواب:

• همانطور که قبلا گفتیم واقع شدن در گناه ملاک است و در این مثال هم اولویت جاری نیست زیرا ممکن است غلام که بردگی اش بر مبنای ترس باقی است (اگر نمیترسید که از بردگی فرار میکرد و آزاد میشد) از نزدیک شدن به مالک خودش آنچنان بترسد که باعث شود شهوتش تحریک نشود. صرف وجود این احتمال کافی است برای جلوگیری از جاری شدن قیاس اولویت.

بعضی گفته اند: مقصود از غیر اولی الاربه من الرجال کسی است که به این خانم نیاز جنسی ندارد بنا بر این عمو و دایی را هم شامل است زیرا این دو معمولا نسبت به خواهر زاده و برادر زاده شان نیاز جنسی ندارند.

جواب:

۱. آیه نفرموده است که غیر اولی الاربه بالنسبه اليهن، بنا بر این این رجال ذاتا نباید دارای نیاز جنسی باشند. مانند خواجهگان که در گذشته وجود داشتند. یا رجال عجوز که در اثر سن زیاد شهوتشان تحریک نمیشود اساسا.

۲. اگر عمو و دایی مقصود بودند با صراحت در قسمت نسبی ها ذکر میشدند، چه نیازی بود که از کنایه ای نارسا استفاده کند؟

۳. این قسمت دارای دو شرط است: ۱. التابعین ۲. غیر اولی الاربه. و قطعا اینها التابعین نیستند؛ زیرا اگر زن تابع عمو و دایی نباشند یقینا برعکس هم نیست. پس داخل در التابعین غیر اولی الاربه من الرجال نیستند.

بعضی گفته اند: در هر صورت این حصر، حصری نسبی است و میتوان به آن مواردی اضافه کرد.

جواب:

• حصر نسبی نیاز به طرف مقابل دارد، یعنی اگر کسی به تمام افراد یک اتاقی بگوید ساکت شوید مگر علی، این دلیل نمیشود که غیر از افراد آن اتاق حق سخن گفتن ندارند. در این آیه حصر نسبت به چه کسانی است؟ نسبت به مردان؟ در حالی که نساءهن زنان را نیز داخل میکند.

نسبت به بالغان؟ در حالی که الطفل ... کودکان را نیز داخل میکند. بنابر این این آیه تمام افراد انسان را مد نظر داشته و در مورد غیر انسان ساکت است. بعضی شاید بگویند که نسبت به نزدیکتران است و نسبت به دورتران ساکت است، در حالی که خود اینان میگویند عمو نزدیکتر از التابعین ... است، بنابر این نمیتواند حصر نسبت به نزدیکتران باشد.

بعضی گفته اند: با توجه به روایت: قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مُصَافِحَةِ الرَّجُلِ الْمَرْأَةَ قَالَ لَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَافِحَ الْمَرْأَةَ إِلَّا امْرَأَةً يَحْرُمُ عَلَيْهِ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا أُخْتُ أَوْ بِنْتُ أَوْ عَمَّةٌ أَوْ خَالَهٌ أَوْ ابْنَةُ أُخْتٍ أَوْ نَحْوَهَا فَأَمَّا الْمَرْأَةُ الَّتِي يَحِلُّ لَهَا أَنْ يَتَزَوَّجَهَا فَلَا يُصَافِحُهَا إِلَّا مِنْ وَرَاءِ الثَّوْبِ وَلَا يَغْمِزُ كَفَّهَا. زن میتواند با محارم خود دست بدهد پس به طریق اولی میتواند نزد او ابداء زینت کند. بنابر این حصر آیه نسبی است.

جواب:

۱. بر مبنای فقه گویای قرآنی روایات متواتره یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب تأویل به چند مورد قلیل مانند ام ولد بودن شد. چگونه ممکن است چند روایت این چنینی یارای مقابله با دلالت محکم حصر آیه را داشته باشند! ابدای زینت در مواردی که در آیه ذکر شده اند دارای مراتب گوناگونی است و آن را از کنار هم گذاشتن بعولتهن و باقی موارد میتوان فهمید. ولی در مورد غیر مذکورین در آیه یک حد بیشتر ندارد و آن ما ظهر منها است. خواه ما ظهر منها دست دادن را در بر بگیرد یا نگیرد یا اصولاً در آن مورد ساکت باشد.
۲. بنا بر آن که اگر نمایاندن غیر از وجه و کفین و یا قدمین حرام باشد به طریق اولی دست دادن حرام است. این روایت را روایتی محرف خواهیم دانست. خواه بعضش (ابنه اخت) یا کلش.

پاسخ به برخی سؤالات

درباره عدم محرمیت عمو، دایی و داماد

مقاله فوق برای دریافت مشورتهای قرآنی در اختیار برخی شاگردان آیت الله صادقی تهرانی رحمه الله علیه که در درسترس بودند و نیز سایر محقین قرار گرفت و نویسندگان آن مشتاق و پیگیر بودند تا

اگر پاسخی یا تکمله‌ای بر بحث وجود دارد مطرح گردد. در این بین یکی از شاگردان آیت الله صادقی تهرانی لطف نمودند و سوالاتی را برای روشن تر شدن ابعاد مسأله طرح کردند. که متن بخشی از این سؤال‌ها به همراه پاسخ کامل، در ادامه می‌آید.

اکنون حدود یک سال از پاسخگویی به آخرین سؤالات طرح شده می‌گذرد، و ما به فضل الهی همیشه آماده شنیدن نقد و نظرات همه دوستان هستیم و سعیمان بر آن است تا این شاء الله از این آیه شریفه اعراض نکنیم و از عاملان به آن باشیم که: «وَالَّذِينَ اجْتَنَّبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۷-۱۸).

متن سؤال‌ها و پاسخ آنها:

سؤال ۱- آیا پدر بزرگ (پدری و مادری) با دخترِ دختر خود یا با دخترِ پسر خود محرم است یا نه؟ ادله را بیان کنید - ادله قرآنی و ادله روایی.

اول از همه به اصطلاح محرم در فقه رجوعی مینماییم: المحرم بفتح المیم ذو الحرمة من القرابة يقال هو ذو محرم منها إذا لم يحل نكاحها، و المحرم ما حرم بنسب أو رضاع أو مصاهرةً تحريمًا مؤبدًا (مجمع البحرين، جلد ۶، صفحه ۳۸)

با توجه به این تعریف، بله ازدواج با او حرام است و پاسخ سوال شما را باید در آیه ۲۳ نساء جستجو کرد: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ» و بنات شامل دختر و نوه دختری نیز میشود.

اما اگر مقصود از محرم نزد شما همان کسی است که ابداء زینت نزد او حلال است، پاسخ سوال شما در آیه ۳۱ نور است: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ» و آباء شامل پدر بزرگ هم میشود.

و شاهد بر آن آیه ۱۳۳ بقره است: «أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إله آبَائِكَ إبراهيمَ وَ إسماعيلَ وَ إسحاقَ إلهًا واحدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» و همانطور که واضح است برای استفاده از تغليب لازم است که آب بر اکثر مذکورین در آیه صدق کند (تغليب الأكثر على الأقل، و ذلك بأن ينسب إلى الجميع وصف يختص بالأكثر)، و اگر بنا باشد که

ابراهیم که جد یعقوب بوده، آب او نباشد، تغلیب در اینجا شایسته نیست. زیرا دو غیر آب (ابراهیم: پدر بزرگ و اسماعیل: عمو) و یک آب (اسحاق: پدر) میشود.

بنا بر این مطمئناً یکی از مصادیق ابوه حقیقی پدر بزرگ است، و نیازی به ادله روایی در این مورد نیست.

سؤال ۲- با توجه به اینکه سوره نساء، نور، احزاب هر سه مدنی هستند، بنا بر تحقیق، ترتیب نزول بدین صورت است: ۱. احزاب ۲. نساء ۳. نور

الف: چرا در موارد ذیل شوهر، پدر شوهر، و پسر شوهر و ... که در سوره ی نور آمده است در سوره احزاب آیه ۵۵ نیامده است؟ با دلیل.

در آیه ۵۵ سوره احزاب که در ادامه آیه ۵۴ است، خطاب به مومنین (نه پیامبر صلی الله علیه و آله) میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ ... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (احزاب، ۵۳) بنا بر این بدیهی است که ذکر شوهر نادرست میباشد زیرا شوهر از ابتدا داخل در «فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» نبود تا اینکه رفع گناه شود. اما در مورد باقی موارد ذکر نشده: «لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا» (احزاب، ۵۵) جالب آن است که ترتیب ذکر شده در آیه ۵۵ احزاب دقیقاً به همان ترتیب ذکر شده در سوره نور است، بنا بر این از ابتدا مقایسه را انجام میدهیم: «آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ» پدر حضرت محمد صلی الله علیه و آله زنده نبود تا خطاب آن زمان آیه بخواهد شامل حالش بشود و از او رفع گناه گردد. «أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ» حضرت در آن زمان که آیه نازل شد پسری که بالغ باشد نداشت، و حسنین که نوه های او بودند هنوز کودک بودند. و آیه قرآن میفرماید: «وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» (أنعام، ۱۹) و چون بالغ نشده اند خطاب آیه ۵۳ شاملشان نمیشود. «التَّابِعِينَ غَيْرِ أَوْلَىٰ الْإِرْبَةِ مِنَ الرَّجَالِ» این فقره هم شاید بابت سختگیری ویژه همسری پیامبر صلی الله علیه و آله تا آخر عمرشان بر ایشان ممنوع بوده باشد. «الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» این اطفال نابالغ هم عرض کردم که خطاب آیه ۵۳ شاملشان نمیشود.

ب: آیا مواردی که در سوره احزاب نیامده بود، نامحرم بودند و سپس در سوره نور جزء محارم شمرده شدند یا خیر؟ با دلیل.

اصطلاح محرم و نامحرم اساساً در مورد آیات نور و احزاب صحیح نیست، ولی به هر حال پاسخ را بنا بر منظور گوینده می‌دهم، در مورد «أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ» و «الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» میتوان گفت که اصولاً از دلالت آیه احزاب خارج بوده و با آمدن سوره نور این حکم در مورد زنان پیامبر صلوات الله علیه و آله هم جاری است، ولی در مورد فقره: «التَّابِعِينَ غَيْرِ أَوْلَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ» به نظر میرسد که حکم سابق باقی خواهد ماند زیرا خطاب آیه شاملش میشد و ممکن است این از اختصاصات همسری پیامبر صلوات الله علیه و آله باشد که حکم در مورد ایشان سختتر اجرا بشود، مگر آن که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بفرماید که حکم سوره نور ناسخ حکم سوره احزاب است حتی در مورد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، پس نمیتوان پاسخ قطعی داد به ناسخ بودن یا نبودن، و در هر حال ناسخ بودن آن یا نبودنش در این مورد خاص، فایده‌ای به حال مومنین ندارد؛ زیرا ما به دنبال یافتن وظیفه تمام زنان مومن زنده در عالم اسلام هستیم که زنان پیامبر صلوات الله علیه و آله بین آنان نیستند تا لازم باشد وظیفه ایشان را نیز به دست آوریم.

ج: آیا خدای متعال نام آنها را در سوره احزاب فراموش کرده که بیاورد؟ با دلیل. اگر پاسخ این است که چون مسلم بوده نیاورده پسر چرا در سوره نور آورده؟ که اگر مسلم بوده، لغو محسوب میشود.

فراموشی در کار نبوده، همانطور که عرض کردم در آیه ۵۵ سوره احزاب کلام ناظر به ماقبل است، و ماقبل آن (یعنی در آیه ۵۳) یک خطابی صورت گرفته که باعث میشود رفع گناه موجود در آیه ۵۵ تنها در مورد آن کسانی که مورد خطاب بودند باشد، که طبعاً خود پیامبر صلی الله علیه و آله و اموات و نابالغین را شامل نمیشود، بنا بر این قبل از این که سوره نور نازل شود هیچ نفی و یا اثباتی در مورد نابالغین در این آیه وجود نداشته و این در آن زمان از سنت باید معلوم میشد، همانند حکم وضو که خودش مدتها در قرآن نبود و لکن دستور به تیمم در صورت در دسترس نبودن آب در قرآن وجود داشت، و ما میفهمیم که ابتداء وضو در سنت بود و لکن زمان نزول آیه ۶ سوره مائده تبدیل به حکمی قرآنی گردید. و اما در آیه ۳۱ سوره نور، دستور به پیامبر صلی الله علیه و آله داده شده که تمام زنان مسلمان را خطاب کند، و در ابتدا یک دستور کلی در مورد حجاب ذکر شده و رعایت آن را به صورت عام لازم دانسته، و سپس عدم رعایت آن را در عده‌ای محصور کرده است، و به همین دلیل شوهر و افراد نابالغ را هم ذکر نمود.

سوال ۳- با توجه به اینکه ابداءِ زینت اخف از لمس، بوسیدن، مصافحه و ... است و آیه نور، ابداءِ زینت را تجویز کرده نه لمس و ... را، با توجه به اینکه جناب عالی می گوئید آیه در مقام حصر است چگونه جواز لمس، بوسیدن و ... را از آیه اثبات می کنید؟

آیه در مقام حصر موارد جواز ابداءِ زینت ظاهری است، یعنی آیه میفرماید به غیر این افراد، حق ابداءِ زینت ظاهری را ندارند؛ نه این که در مورد افراد داخل مجموعه هم سخنی از حد و حدودی داشته باشد. اگر ما حد و حدودی برای افراد داخل مجموعه قرار بدهیم قطعاً آن را از این آیه برداشت نکرده ایم. مثلاً بنده به شما میگویم که پول من را به غیر از به حسن و حسین و اصغر نده. آیا از این فقره میتوان فهمید که به هر کدام چقدر باید بدهید؟ هرگز، آیا میتوان فهمید که ملک من را به کدام میتوانید بدهید؟ هرگز. و لکن اگر فرض کنیم پول اخف از ملک است؛ میفهمید که اگر ملکی هم دارم نباید به کسی غیر از اینها بدهید. ولی در مورد افراد داخل مجموعه این فقره ساکت از ملک است.

سوال ۴- آیا حضرت عالی خواهر زن را محرم می دانید یا نامحرم؟ به چه دلیل؟

با توجه به اصطلاح فقهی که ابتدای نوشتار آوردم، خواهر زن محرم نخواهد بود زیرا حرمت ازدواج با او به گونه ای مؤبد نیست. و لیکن اگر منظورتان ابداءِ زینت در مقابل شوهر خواهر باشد، قطعاً برای او حرام است طبق آیه ۳۱ نور، زیرا حصر قطعاً خواهر زن را خارج میکند.

سوال ۵- آیا ازدواج با محارم جایز است؟ به چه دلیل؟

اگر مقصود محارم اصطلاحی باشد که قطعاً جایز نیست. و اگر مقصود کسانی باشند که در آیه ابداءِ زینت ذکر شده اند، باید بگویم که این دو مسأله با هم عام و خاص من وجه هستند، انسان میتواند نزد بعضی محارم ابداءِ زینت کند و نزد بعضی خیر، میتواند با بعضی از کسانی که جواز ابداءِ زینت در مقابل او را دارد ازدواج کند و با بعضی نمیتواند ازدواج کند.

سوال ۶- ازدواج نوه که دختر است با پدر بزرگ خود چه حکمی دارد؟

حرام است طبق آیه ۲۳ نساء: «حُرِّمَتْ عَلَیْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ» زیرا بنات شامل دختر و نوه (مونث) نیز میشود. و یکی از شواهدی که بنات شامل نوه میشود این است که ابناء شامل نوه (مذکر) است و بنات

همان مونت ابنا است. و در آیه: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران، ۶۱) در این آیه پیامبر صلی الله علیه و آله حسنین را به عنوان ابنا برد.

سوال ۷- ازدواج نوه که پسر است با مادر بزرگ خود چه حکمی دارد با ذکر دلیل؟

حرام است طبق آیه ۲۳ نساء: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ» زیرا امهات شامل مادر بزرگ نیز میشود. و شاهد بر آن نیز آیه: «الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْتَهُمْ وَ كَذَبَتْهُنَّ إِتْمَانًا كَذِبًا» (مجادله، ۲) که این آیه ولادت با واسطه و بی واسطه را شامل است، و نکته قابل ذکر اینجاست که حقیقت مادر را در نسبی منحصر کرده در حالی که عرف به مادر رضاعی و مادر خوانده و حتی خود قرآن زنان پیامبر صلی الله علیه و آله را مجازا مادر مینامد، از تمام اینها میتوان نتیجه گرفت که در تمام افراد مذکور در آیات ثلاثه (حجاب و حرمت ازدواج و حلیت اکل) اگر قرینه ای در کار نباشد حقیقت مد نظر است و نه مجاز.

به نظر میرسد که اگر در آیه ۲۳ نساء فرموده است: «وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ» نه از آن جهت بوده که ابنا حقیقتاً شامل غیر کسانی که از صلب باشند میشود بلکه فقط برای تأکید بیشتر بر نادرست بودن فکری بوده که در اندیشه آنان رسوخ کرده، به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور شد خودش این جو ناصحیح مجازی را بشکند: «وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَخْفَى فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَ طَرَأَ زَوْجَانَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَ طَرَأَ وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (احزاب، ۳۷)

سوال ۸- آیا آیات «۲۳ سوره نساء» و «۳۱ سوره نور» دو آیه مستقلند که ارتباطی بین آنها نیست؛ یعنی «آیه ۲۳ سوره نساء» خطاب به مردان حکمی را بیان کرده و «آیه ۳۱ سوره نور» نیز خطاب به زنان حکمی دیگر را بیان کرده که هیچ ارتباطی با هم ندارند؟

این دو آیه دو حکم مستقل را بیان میکنند. آیات ۲۲ تا ۲۴ نساء در مورد حرمت نکاح است و حصر ابداء زینت، در آیه ۳۱ نور میباشد.

سوال ۹- در «آیه ۲۳ سوره نساء» خطاب به مردان آمده: با «مادر، دختر، خواهر، عمه و خاله» ازدواج نکنید. حرمت ازدواج در موارد پنج گانه فوق از چه جهت صادر شده؟ اگر حرمت مصافحه و معانقه مراد است که در موارد پنج گانه فوق قطعاً جایز است؛ یعنی اگر مرد بخواهد با آنها مصافحه یا معانقه کند نیازی به خطبه عقد و به اصطلاح ازدواج ندارد؛ یا نه، بیان حرمت ازدواج به جهت حرمت مقاربت با آنان است؟ (یعنی در واقع خدای متعال می خواهد بفرماید که با این افراد مقاربت نداشته باشید.) (با دلیل توضیح دهید).

در آیه ۲۲ تا ۲۴ سوره نساء، حرمت ازدواج با خواهر زن و زن شوهر دار نیز وجود دارد، شما هر معنایی که از آن دو میفهمید به (مادر و دختر و خواهر و عمه و خاله) نیز سرایت بدهید. پس ازدواج با تمام توابع خاص به ازدواج، نسبت به این افراد حرام است، حال اگر مصافحه با مادر جایز است، این از توابع خاص به ازدواج نیست بلکه از موارد جواز ابداء زینت در آیه ۳۱ نور، و در نهایت روایاتی در این زمینه است.

و بنا بر دلیل مذکور، مصافحه به قصد شهوت، با آن موارد پنجگانه جایز نیست، زیرا این مصافحه، از توابع خاص ازدواج است.

سوال ۱۰- در «آیه ۳۱ سوره نور» آمده: (يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ)، به طور دقیق و مشخص بفرمایید مراد از فروج، چیست؟ (با دلیل توضیح دهید).

فروج همان چیزی است که نمایش آن در انحصار همسران است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (معارج، ۲۹ و ۳۰)

سوال ۱۱- با دلیل بفرمایید مراد از (عَوْرَاتِ النِّسَاءِ) در «آیه ۳۱ سوره نور» کدام مواضع است؟

منظور آن چیزی است که فروج را نیز در بر دارد. دلیل هم آن است که سیطره بر آن نباید منافات با ابداء زینت داشته باشد.

سوال ۱۲- آیا دستور (وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ)، داخل در موارد جواز ابداء زینت در مستثنی منه است یا نه؟ (با دلیل توضیح دهید).

دو استثناء در آیه ۳۱ نور مطرح شده است: ۱. الا ما ظهر منها. که «و لیضربن» توضیحی برای این زینت ظاهری (ما ظهر منها) است. ۲. «الا لبعولتهن أو ...» که در اینجا اشخاصی که میتواند غیر ما ظهر منها را نزد آنها آشکار کند بیان نموده. بنا بر این مستثنی منه در استثناء دوم، شخص است نه شیء، «و لا یبدین زینتهن لأحد إلا لبعولتهن أو ...»

سوال ۱۳- در «آیه ۲۳ سوره نساء» موارد چندگانه حرمت ازدواج با «واو» عطف شده‌اند ولی در «آیه ۳۱ سوره نور» موارد چندگانه جواز ابداء زینت با «او»، لطفاً فرق این دو عطف را بیان فرمایید.

ظاهراً چون آیات ۲۲ تا ۲۴ در مقام اثبات حرمت بوده، عطف موارد؛ با او صحیح نیست. و لیکن در آیه ۳۱ نور در مقام نفی و اثبات میباشد، و بیان با هر دوی واو و او صحیح است (البته به نظر حقیر میرسد که عطف با او باعث تأکید بر حصر میشود، زیرا جانب نفی غیر را تقویت میکند).

سوال ۱۴- آیا «عمو» داخل در معنای (آبَائِك) «سوره بقره، آیه ۱۳۳» و در نتیجه داخل در موارد جواز ابداء زینت است؟ (فقط با بله یا خیر جواب دهید)

خیر.

سوال ۱۵- «انسان می‌تواند نزد بعضی محارم ابداء زینت کند» و «نزد بعضی خیر». لطفاً برای هر دو موردی که داخل گیومه ذکر شد، به طور مشخص تمام اشخاص را نام ببرید.

گیومه اول: برای زن؛ پدر (و پدر بزرگ ...)، پدر شوهر (و پدر بزرگش ...)، پسر (و نوه ...)، پسر شوهر (و نوه اش و ...)، برادر (دو طرفه - ابوینی - یا یک طرفه - ابی یا اُمی)، پسر برادر (و نوه اش و و خواه برادر دو طرفه باشد یا یک طرفه) و پسر خواهر (و نوه اش و و خواه خواهر دو طرفه باشد یا یک طرفه)

گیومه دوم: برای زن؛ عمو، دایی، پسران رضاعی، برادران رضاعی، شوهر دختر و شوهر مادر.

سوال ۱۶- «انسان می‌تواند با بعضی از کسانی که جواز ابداء زینت در مقابل او را دارد ازدواج کند» و «با بعضی نمی‌تواند ازدواج کند». لطفاً برای هر دو موردی که داخل گیومه ذکر شد، به طور مشخص تمام اشخاص را نام ببرید.

گیومه اول: برای زن ازدواج با تابعین غیر اولی الاربه من الرجال و الطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء بلا مانع است، و همچنین پیرزنانی که امید به ازدواج ندارند میتوانند با مردان ازدواج کنند در حالی که حجاب کامل بر ایشان واجب نیست: «وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور، ۶۰)

گیومه دوم: ازدواج زنان با زنان حرام است و همچنین: پدر(و پدر بزرگ ...)، پدر شوهر(و پدر بزرگش ...)، پسر(و نوه ...)، پسر شوهر(و نوه اش و ...)، برادر(دو طرفه یا یک طرفه)، پسر برادر(و نوه اش و و خواه برادر دو طرفه باشد یا یک طرفه) و پسر خواهر (و نوه اش و و خواه خواهر دو طرفه باشد یا یک طرفه)

سوال ۱۷- در «آیه ۳ سوره مائده» آمده است: (حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُّ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمَوْفُودَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ ...)، آیا فقط حرمت در باب خوردن اینها است یا دست زدن به اینها هم حرام است؟ اگر حرمت شامل دست زدن نمی شود، چگونه آن را از آیه استفاده می کنید؟

قرائن زیادی وجود دارد که این آیه در مقام بیان حرمت اکل است نه حرمت لمس، و اگر نتوان از دلائل ذیل انحصار آن در حرمت اکل را فهمید، باید حرمت نگاه، بوییدن و حتی اقتراب، نیز به لمس اضافه شود. مگر آن که همچون دیگر فقها گفته شود: وقتی حرمت روی یک شیء باشد و نه استفاده خاصی از آن شیء، معنی آن؛ حرمت منفعت شائعه اش بین مردم است. که در این صورت لمس جزء منفعت شائعه «میته و ...» نخواهد بود.

اما قرائن:

۱. در ابتدای سوره مائده میفرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُجَلِّي الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ ... حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُّ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمَوْفُودَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسْقٌ ... فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده، ۳) و سپس فرموده: «حرمت علیکم»، و معنای این حرمت به تنهایی، مجهول است؛ در نتیجه

باید با قبل معنا شود، بنا بر این با قرینه آیه قبل به راحتی میتوان متوجه شد که آیه در مقام بیان خوردنیهای حرام از بهیمه الأنعام است. «إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ»

۲. آن تستقسموا بالأزلام باعث میشود که ذهن از حرمت لمس به حرمت اکل انتقال پیدا کند. زیرا حرمت آنچه با ازلام تقسیم میشود خوردنی است و نه لمس کردنی.

۳. آیات مشابه که در مکانهای دیگر قرآن در همین موضوع ذکر شده است، دلالت بر حرمت در اکل دارد. مثلاً: «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَ اشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ * إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل، ۱۱۴ و ۱۱۵) و در واقع منخنقه تا ما اكل السبع توضیحی برای میتهاست و ما ذبح علی النصب نیز تبصره ای برای ما اهل لغیر الله به.

سوال ۱۸- آیا در ادبیات عرب موارد استثناء شده که بعد از «إِلَّا» می آیند برای مخاطب - از نظر حکم یا غیر حکم - مجهولند که بیان می شود تا بر مخاطب روشن شود؟ (با دلیل توضیح دهید).

برای یافتن پاسخ این مسأله به ادبیات عرب مراجعه شود.

سوال ۱۹- پاسخ قرآنی به این شبهه ضروری است که چرا وقتی زنی با مردی ازدواج می کند، زن می تواند در مقابل «پدر شوهر» ابداء زینت کند؛ بدین معنی که «پدر شوهر» با نص آیه به سبب این ازدواج وارد مجموعه ابداء زینت می شود، اما دایی که قرابتی نسبی دارد و برادر مادر اوست؛ از مجموعه ابداء زینت اساساً خارج است؟

اگر مقصود این است که به طریق اولی باید بتوان نزد دایی ابداء زینت کرد، پاسخ؛ وجه مشترک اشخاصی که میتوان نزد آنها ابداء زینت کرد کم بودن احتمال فجور است؛ و این در بسیاری موارد، قابل مقیاس با عقل بشری نیست. در مورد مذکور هم این احتمال وجود دارد که احتمال فجور بین دایی و خواهر زاده اش بیشتر از احتمال فجور بین پدرشوهر و عروسش باشد. و صرف وجود این احتمال مانع اجراء قیاس اولویت قطعی است.

در پاسخی نقضی به کسانی که این شبهه را دارند، عرض میکنم: چطور یک پیرزن (بدون هیچ ارتباط نسبی یا سببی با شما) حق دارد نزد شما بی حجاب باشد؛ ولی دختر عمویان با وجود رابطه نزدیک نسبی بینتان، حرام است نزد شما بی حجاب باشد؟

سوال ۲۰- با توجه به اینکه شوهر موردی از موارد استثناء شده در آیه ۳۱ سوره نور است، بفرمایید اگر در طول تاریخ و قبل از نزول این آیه زنان در برابر شوهرانشان ابداء زینت می‌کردند، آیا بیان آن لغو نیست؟

اتفاقاً این خود دلیلی برای اثبات آن است که آیه میخواهد تمام موارد جواز ابداء زینت را برشمرد، با صرف نظر از این که آیا مردم به آن تا به حال عمل میکرده اند یا خیر. آیا نسبت او با این زن نزدیک است یا دور و..... همانطور که میبینید در همین سوره نور اشاره به عادت مردم در مورد برکندن لباسها در مقابل همسران شده است: «... حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ...» (نور، ۵۸)

سوال ۲۱- ۱. با توجه به این قرینه که «مادر، دختر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر و دختر خواهر» طبق آیه ۲۳ سوره نساء در حکم شرعی یکسانند و اینکه قطعاً مصافحه و معانقه با «مادر، دختر، خواهر، عمه و خاله» جایز است ۲. و نیز به ضمیمه آیه ۲۹ سوره بقره: (... خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ...) آیا می‌شود عمو و دایی را داخل در جواز مصافحه و معانقه با دختر برادر و دختر خواهر دانست یا خیر؟ با دلیل توضیح دهید؟

۱. در چه حکمی از شرع یکسانند؟ آیا در حلیت اکل در منازلشان؟ ابداء زینت؟ یا حرمت ازدواج؟
۲. نهایتاً آن است که با توجه به این آیه یک اصلی ثابت میشود و آن اصالة الحل است. ولی همانطور که میدانید رجوع به اصل، عند عدم الدلیل است. یعنی وقتی ما یک آیات یا روایاتی دال بر حرمت خوردن چیزی داشته باشیم یا نمیتوانیم به این اصل رجوع بکنیم.

در مورد معانقه با افراد مذکور، همانطور که خودتان نیز قبلاً اشاره فرمودید، چون ابداء زینت اخف از معانقه است و ابداء زینت در مورد این افراد حرام شده است. پس به طریق اولی معانقه نیز حرام است. و دیگر رجوع به اصل معنا ندارد.

سوال ۲۲- با توجه به اینکه دستور به ابداء زینت برای غیر شوهر در آیه ۳۱ سوره نور فی نفسه زمینه‌ای برای تحریک شهوت است، چرا خدای متعال آن را برای غیر شوهر تجویز نموده؟

بنده از شما یک سوال میپرسم: با توجه به این که عبادت بیشتر خدا باعث یاد بیشتر خدا میشود، چرا نمیشود نماز صبح را ۳ رکعت خواند؟

احکام الهی توقیفی است. و ما نمیتوانیم به آن اضافه یا از آن کم بکنیم. نهایت آن است که میتوانیم به بعضی از وجوه حکمت که به عقل ناقصمان راه میابد اشاره کنیم.

در مورد این مطلب هم، چه بسا خدای متعال در مورد این افراد آن تحریک شهوتی که بین غیر از اینان است را ندیده است. مثلا شاید اگر زنی نزد برادر زاده اش بدون روسری بگردد، همانقدر تحریک شهوت بکند که نزد عمویش با روسری میگردد.

و اگر کسی بگوید چون مطلقا ابداء زینت زمینه تحریک شهوت است پس نباید اتفاق بیفتد، بنده هم میگویم وجود زن نزد مرد نیز زمینه تحریک شهوت است پس اصلا زن باید در خانه بنشیند و در را روی خودش قفل کند تا کسی تحریک نشود!!

ما در این احکام تابع قرآن هستیم، خواه به مزاجمان خوش بیاید یا نیاید.

سوال ۲۳- با توجه به اینکه حرمت ازدواج با خواهر زن مؤبد و ذاتی نیست، چرا با موارد قبل از خودش در حکم، یکسان جلوه می‌کند؟ (یعنی به مواردی عطف شده که حکمش با آنها یکسان نیست.)؟

اینجا حکم حرمت ازدواج بیان شده است و نه حکم حرمت مؤبد ازدواج! لا تنکحوا یعنی ازدواج نکنید. اتفاقا اگر ما برداشت کرده‌ایم که ازدواج با قلبیها حرمت مؤبد است و حتی اگر شخص از همسر شما بودن زائل شود، باز هم نباید با مادرش ازدواج کنید. این از دو فقره دریافت میشود: ۱. ان تجمعوا بین الاختین، که در اینجا جمع بین دو خواهر حرام شده است و اگر مقصود از حرمت ازدواج با مادر زن حرمت جمع بین مادر زن و زن بود باید میفرمود جمع بین آن دو حرام است و همینطور حرمت ابدی ریبیه انسان از همسرش. ۲. در مورد حلال ابناء کم نیز با فقره المحصنات من النساء میفهمیم که مقصود در صورت همسر بودن آن با فرزندان نیست. بلکه بعد از آن است، زیرا اگر مقصود در حال همسر

پسر بودن بود، در المحصنات من النساء ثابت شده بود همانطور که حرمت ازدواج با همسر برادر نیازی به ذکر نداشته است.

نکته: برخی سوالات طرح شده از سوی طراح خارج از موضوع بحث بود فلذا اینجا پاسخی به آنها داده نشد و اینگونه نبود که این حذف به شیوه تقطیع مخرب بوده باشد و سعی شد تمام نکاتی که پاسخ به آنها در رد یا تأیید موضوع مقاله به هر نوعی مؤثر بود ذکر گردد. والله المستعان.

«والسلام علينا وعلى عباد الله الصالحين».

برای ارتباط با نویسندگان این مقاله قرآنی و طرح نظرات ارزشمندتان

لطفاً با ما با آی دی زیر در تلگرام همراه باشید:

@Abbaszadeh_M